

نظام تأدیبی در آمریکا

آمریکایی که نمی شناسیم - بخش هفتم

نوشته عبدی کلانتری

نظام تأدیبی یک کشور، یا نظام اداره زندان ها و شرایط زیست زندانیان، بخش مهمی از سیستم عدالت آن کشور را تشکیل می دهد. عدالت اجتماعی هرگز کامل نیست اگر آنچه در زندانها می گذرد غیر انسانی باشد. ایالات متحده آمریکا بیش از هر کشور دیگری در دنیا زندانی دارد. در آمریکا تعداد زندانیان از سی سال پیش تا امروز ده برابر شده است. امسال این تعداد به دو میلیون و دویست هزار نفر رسید. ایالت کالیفرنیا به تنهایی آنقدر زندانی دارد که اگر تعداد زندانیان انگلستان، فرانسه، آلمان و کانادا را باهم جمع ببندیم هنوز تعدادشان به اندازه زندانیان کالیفرنیا نمی رسد! در ایالت های جنوبی آمریکا وضع زندانها قابل مقایسه با زندانهای دهشت بار کشورهای جهان سومی است: سلول هایی که بیش از گنجایش خود زندانی دارند و زندانیانی که بر زمین های کثیف در میان موشها و سوسکها شب را به صبح می رسانند.

خشونت و شکنجه

طی سالهای اخیر، سازمان ملل متحد همراه با سازمان دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل، در گزارش های خود از وجود شکنجه در زندانهای آمریکا انتقاد کرده اند. شکنجه هایی نظیر حبس انفرادی در بیست و سه ساعت از شبانه روز، در سلول های سیمانی بسته برای سالهای متوالی، یا بستن کمربند شوک الکتریکی (electric-shock stun belt) که از فاصله دور بتوان هر لحظه زندانی را با شوک پنجاه هزار ولتی مهار کرد. در سال ۲۰۰۰ سازمان ملل در گزارشی تندی آمریکا را به خاطر پایان ندادن به شکنجه و تحقیر زندانیان مورد انتقاد قرار داد. این گزارش که توسط یک هیأت متخصص ده نفره تهیه شده، تمام مواردی را که واشنگتن از قرارداد منع شکنجه تخطی کرده، گوشزد می کند، قراردادی که آمریکا خود در سال ۱۹۹۴ پای آنرا امضا کرده است. کمیته ای مخصوص به نام «کمیته ضد شکنجه»

سازمان ملل) (UN Committee Against Torture) که وظیفه دارد موارد نقض «پیمان سازمان ملل علیه شکنجه» (UN Convention Against Torture) را بررسی کند، درخواست کرده است که شوک الکتریکی، بستن زندانیان به صندلی های مخصوص، و نگهداری جوانان کم سن و سال در جوار مجرمان پرسابقه در زندانهای آمریکا متوقف شود. این کمیته همچنین وضع زندانیان زن را با عنوان «تحقیرکننده و شرم آفرین» مورد انتقاد قرار می دهد و مواردی از تجاوز جنسی توسط زندانبانان را ذکر می کند.

تخمین زده می شود هر ساله تعداد مردانی که در زندانهای آمریکا به آنها تجاوز می شود دو برابر تعداد زنان قربانی تجاوز است. سازمان دیده بانی حقوق بشر در گزارش ماه آوریل سال ۲۰۰۱ خود به نقل از تحقیقی که توسط مجله زندانها صورت گرفته و از هفت زندان در چهار ایالت آمریکا آمار گرفته است، می نویسد که ۲۱ درصد مردان زندانی دست کم یک بار در دوره زندان شان مورد حمله جنسی یا تجاوز قرار گرفته اند. در تحقیقی به سال ۱۹۹۶ از زندانهای ایالت نبراسکا، رقمی مشابه، یعنی ۲۲ درصد از مردان زندانی گزارش دادند که یا به زور یا از ترس ضرب و شتم به تجاوز تن در داده اند. اگر این آمار نماینده وضع سراسری زندانهای آمریکا باشد، سالانه بین صد تا صد و پنجاه هزار زندانی مرد مورد تجاوز قرار می گیرند.

زندان و بیرون از زندان

در گزارش «کمیسیون ایمنی و ناامنی در زندان های آمریکا» که کمتر از یک سال پیش منتشر شد (رجوع کنید به منابع در پایان این مقاله) چنین آمده است: «آنچه در زندان ها اتفاق می افتد در چار دیواری زندان ها باقی نمی ماند. هر زندانی پس از پایان دوره تأدیب، تأثیرات زندگی زندان را به خانه و محله خود می برد. کارکنان زندان نیز هر روز پس از پایان کار، اثرات محیط کارشان را به فضای خارج از زندان منتقل می کنند. وقتی محیطی ناامن، ناسالم، غیر مولد، و غیر انسانی باشد، تأثیراتش به خارج از آن محیط نیز سرایت خواهد کرد.»

بروس وسترن، جامعه شناس و استاد دانشگاه پرینستون، در کتاب خود به نام «مجازات و نابرابری در آمریکا» اشاره می کند، در کشوری که هر ساله سیزده میلیون و پانصد هزار نفر سروکارشان به زندان می افتد و سپس نود و پنج درصد آنها آزاد می شوند، در کشوری که جمعیت دائمی پشت میله ها از مرز دویلمیون گذشته و سال به سال تعداد آن فزونی می گیرد، سرنوشت زندانیان با سرنوشت شهروندانی که

باید هزینه‌های اداره نظام تأدیبی را بپردازند، و سرنوشت مأموران و محافظان و دیگر کارکنان زندانها، و سرنوشت خانواده‌ها و کودکان زندانیان که بی سرپرست رها شده‌اند، و سرانجام سرنوشت محلاتی که زندانیان پس از پایان دوران حبس به آنها باز می‌گردند، همه به یکدیگر گره خورده است.

به یاد بیاوریم که گروه‌های «چارلز گرینر» یکی از تبه‌کاران زندان ابوغریب پیش از مأموریت اش در عراق، در زندان پنسیلوانیا محافظ بود.

تعداد کارکنان زندانهای آمریکا در این تاریخ، هفصد و پنجاه هزار تن است. ایالات متحده هر ساله شصت میلیارد دلار خرج نظام تأدیبی می‌کند. در آمریکا حدود پنج هزار زندان برای بزرگسالان وجود دارد. هریک از این زندان‌ها با دیگری متفاوت است. برخی از آنها به خاطر کمبود بودجه و عدم امکانات، به حال خرابی افتاده و رو به اضمحلال می‌روند و برخی دیگر در کار خود تا اندازه‌ای موفق بوده‌اند.

رفتار زندان بانان

مدیران زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها به طور مدام با مشکلاتی نظیر تجاوز جنسی به زندانی، خشونت دست‌جمعی، بیماری‌های واگیردار و شرایط غیربهداشتی مواجه هستند. این شرایط در بیشتر موارد با خشونت بیش از اندازه مأموران محافظ تشدید می‌شود.

در زندانها، مأموران از اسپری پودر فلفل برای پاشیدن به صورت زندانیان، تفنگ‌هایی که گلوله‌های دردآور آنها اعضای بدن را به طور موقت فلج می‌کند، و کمر بند شوک الکتریکی به وفور استفاده می‌کنند. طبق گزارش «کمیسیون ایمنی و خشونت در زندان‌های آمریکا» استفاده از این تکنولوژی‌ها نه به عنوان راه حل نهایی بلکه همواره در وهله اول صورت می‌گیرد.

در ایالت کالیفرنیا، که یکی از ایالت‌های لیبرال به شمار می‌رود، دو زندان بدنام و معروف وجود دارد که خطرناک‌ترین مجرمان را به آنجا می‌فرستند و شدیدترین مجازات‌ها را نیز بر آنها روا می‌دارند. یکی از این زندانها «زندان خلیج پلیکان» نام دارد (Pelican Bay Prison) که در آن هزار چندگاه زندانیان را برهنه در هوای بارانی و سرد برای روزها بیرون از سلول نگه می‌دارند و در یک مورد نیز یک زندانی را به میان آب جوش انداختند. زندان دیگر، «زندان کُرگرن» نام دارد (Corcoran) که برای زندانیان مسابقه‌های گلابدیاتوری ترتیب می‌دهند و آنها را به جان هم می‌اندازند تا برای تفریح زندانبانان یکدیگر را لگ و پار کنند. زندانی‌های تازه وارد را در اختیار زندانی‌های قوی تر می‌گذارند که برای سرگرمی زندانبانان به

آنها تجاوز کنند. در اثر شکایت های مدام طی سالها، سرانجام یک قاضی فدرال رأی به اصلاح زندان کرکران داد اما هنوز نشانی از این اصلاحات دیده نمی شود.

طبق گزارش «کمیسیون ایمنی و خشونت در زندان های آمریکا»، در سالهای اخیر میزان خودکشی و قتل در زندان های آمریکا پایین آمده، اما راجع به خشونت فیزیکی آمار معتبری در دست نیست. برای مثال در گزارش های زندانهای ایالات آرکانزا، داکوتای شمالی و داکوتای جنوبی، میزان خشونت فیزیکی در سال ۲۰۰۰ رقم صفر گزارش شده است. بررسی های «کمیسیون ایمنی و خشونت» نشان می دهد آمار حقیقی خشونت در تمامی زندانها پنج برابر بیش از آمار گزارش شده است.

بیماری ها

گفتیم هر سال بیش از سیزده میلیون و پانصد هزار نفر به زندان می افتند و به فاصله کوتاهی اکثر آنها دوباره آزاد می شوند. طبق گزارش «کمیسیون ایمنی و خشونت در زندان های آمریکا»، هر سال در میان زندانیان آزاد شده بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر حامل یک بیماری واگیر دار یا حامل یک بیماری با خطر مرگ هستند. دستکم سیصد و پنجاه هزار نفر، یعنی شانزده درصد کل جمعیت زندانی، دچار ناراحتی های روانی جدی اند. جای آنها در آسایشگاه روانی است اما به دلیل کمبود امکانات آنها نیز در کنار سایر زندانیان به سر می برند. طبق گزارش «کمیسیون ایمنی و خشونت» زندان های با چهار یا پنج هزار زندانی، تنها دو یا سه پزشک در اختیار دارند. در موارد بسیاری، پزشکان زندان جواز پزشکی محدود دارند و از زمره کسانی هستند که حق طبابت خارج از زندان از آنها سلب شده است. زندانهای آمریکا به طرز خطرناکی بیش از گنجایش خود زندانی پذیرفته اند. جدی ترین این بیماری ها عبارت اند از بیماری سل، هیپاتیت، «اچ آی وی»، و بیماری های عفونی مقاوم در برابر دارو.

نابرابری طبقاتی و نژادی

گفتیم که در آمریکا تعداد زندانیان، از سی سال پیش تا حال، ده برابر شده است. نیمی از این زندانیان نه به خاطر جرایم خشونت بار بلکه به خاطر خرده فروشی مواد مخدر به زندان افتاده اند. اکثر اینان را جوانان فقیر سیاهپوست تشکیل می دهند. حبس های طولانی برای فروشندگان خرده پای مواد مخدر، خانواده های آنان را از حضور شوهران و پدران محروم کرده، و امکان کارایی دوباره این افراد را نیز کمتر می شود.

تعداد زندانیان سیاهپوست سی و اندی سال به بالا، هفت برابر تعداد سفیدپوستان در همین گروه سنی است. سیستم تأدیب و حبس در آمریکا نه تنها انعکاسی از شکاف طبقاتی و نژادی این جامعه است، بلکه به نوبه خود تشدید کننده این نابرابری نیز هست. نرخ بیکاری در میان سیاهپوستان دو برابر سفیدپوستان است. اما در زندانها، تعداد سیاهپوستان هشت برابر سفیدهاست. در دوران حبس زندانی، میزان فقر این سیاهان و خانواده آنها بیشتر می شود. در نتیجه، نظام تأدیبی خود عاملی می شود در نابرابری طبقاتی می شود.

از میان کل سیاهپوستانی که تحصیلات دبیرستان را تمام نکرده اند و سن شان به بالای سی سال رسیده، شصت درصد، دورانی را به زندان می افتند. بروس وسترن جامعه شناس دانشگاه پرینستون می نویسد این واقعیت باعث شده که «تجربهء جمعی مردان جوان سیاهپوست به طور کامل متفاوت از بقیهء جامعهء آمریکایی باشد.» آمار رسمی نشان می دهد که در دههء ۱۹۹۰ که اقتصاد آمریکا رونق پیدا کرده بود، نرخ سراسری بیکاری هم پایین آمد. باید توجه داشت که آمار دولتی در مورد بیکاری، زندانیان را در بر نمی گیرد. بروس وسترن با احتساب جمعیت زندانها و ترکیب نژادی آنها نشان می دهد که در همان سالهای رونق، نرخ بیکاری در میان سیاهپوستان از همیشه بالاتر بوده است.

مشارکت مدنی

دموکراسی آمریکایی در طول حیات خود مرحله به مرحله گروههای اجتماعی تازه ای را واجد حقوق شهروندی از جمله حق رأی کرده است. در ابتدا فقط زمینداران سفیدپوست مذکر چنین حقی داشتند. به تدریج و طی دهه ها، شهروندان فاقد املاک، سیاهپوستان، زنان، جوانان هجده ساله، حتا در مواردی معتادان و بیماران مزمن نیز واجد حق رأی شدند. اما امروزه، اکثر مجرمان سابق در بسیاری از ایالت ها از حق رأی محروم اند. این درحالی است که در بیشتر کشورهای دموکراتیک، از جمله کانادا و اسرائیل، نه تنها مجرمان سابق، بلکه زندانیان نیز از حق رأی برخوردارند.

با توجه به اینکه تعداد سیاهپوستان در زندانها و در میان مجرمان سابق که آزاد شده اند به مراتب بیشتر از سفیدپوستان است، این بی عدالتی خصلت نژادی نیز به خود می گیرد. در چهارده ایالت آمریکا، نرخ جمعیت سیاهانی که به این ترتیب از آنها حق مشارکت مدنی سلب شده به ده درصد می رسد. در پنج ایالت دیگر همین نرخ به بالای بیست درصد رسیده است.

آینده نظام تأدیبی

آمار نشان می دهد که در دهه گذشته نرخ قتل در آمریکا پایین آمده و کاهش ۴۳ درصدی داشته است. شهروندان سفیدپوست طبقه متوسط که تأثیر بی واسطه امنیت محلات را می بینند تمایل به حمایت از نظام کنونی تأدیبی دارند و هزینه های سرسام آور سیستم زندانها را موجه تلقی می کنند. جامعه آمریکا از بسیاری جهات جامعه ای است خشن، و هر جا خشونت بیشتر دیده شود احساس ناامنی شهروندان نیز به همان نسبت بیشتر می شود. پس از کشتار یازدهم سپتامبر، هراس از تروریسم، این احساس ناامنی را بازهم بیشتر کرده است. اگر رونق اقتصادی جای خود را به رکود یا بحران ادواری دهد، بازهم هراس های روان اجتماعی اوج می گیرند: هراس از بیکاری، هراس از کارگران مهاجر یا مهاجران غیرقانونی، و هراس بیشتر از تروریسم. در نتیجه، بسیاری از آمریکاییان، زندان را نه مرکز تأدیب و اصلاح زندانی بلکه جایی برای تنبیه و شدیدترین مجازات ها در نظر می گیرند. از همین رو حساسیت آنها نسبت به نقض حقوق زندانیان به عنوان انسان کاهش می یابد. درست به همین دلیل نه شهروندان و نه نمایندگان آنها تا کنون برای اصلاح شرایط زندانها اقدامی جدی صورت نداده اند. ///

ویراستار متن: شیدا دَیانی

منابع:

سایت گزارش «کمسیون ایمنی و خشونت در زندان های آمریکا» (۲۰۰۶):

<http://www.prisoncommission.org/mission.asp>

گزارش به شکل فایل پی دی اف

http://www.prisoncommission.org/pdfs/Confronting_Confinement.pdf

سایت حاوی اطلاعات آماری و جامعه شناختی درباره سیستم زندانهای آمریکا:

http://www.thirdworldtraveler.com/Prison_System/Prison_System.html

کتاب بروس وسترن جامعه شناس دانشگاه پرینستون به نام «مجازات و نابرابری در آمریکا» (۲۰۰۶):

Bruce Western ,

Punishment and Inequality in America ,

Russel Sage Foundation, 2006

کتاب دو جامعه شناس آمریکایی درباره سلب حق رأی از زندانیان و تأثیر آن بر دموکراسی آمریکا و انتخابات ریاست

جمهوری:

Jeff Manza and Christopher Uggen,

Locked Out: Felon Disenfranchisement and American Democracy,

Oxford University Press, 2007

گزارش سازمان دیده بانى حقوق بشر درباره زندانيان آمريكا كه از ناراحتى هاى روانى رنج مى برند (۲۰۰۳):

<http://www.hrw.org/reports/2003/usa1003>

همان گزارش به شكل فايل پي دي اف

<http://www.hrw.org/reports/2003/usa1003/usa1003.pdf>

تصاويرى از «زندانيان خليج پليكان»

<http://www.sfbappa.org/Awards/picturestory/picstory28.ex2.html>

استفاده از كمر بند شوك الكتريكي

<http://ljr.net/latimes/stun/>